

مسئله زنگزور، امنیت مرزی و مبانی حقوقی مداخله ایران

سالار سیف‌الدینی | دکترای جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس

خلاصه اجرایی

با جنگ دوم قراباغ در سال ۲۰۲۰ مفهوم مرزهای شمال غرب دچار تحول اساسی شد و یکی از پیچیده‌ترین معادله‌های ژئوپلیتیکی در جدار بیرونی این مرزها شکل گرفت. در حالی که پیش از آن وضع مرزهای باثبات شمال غرب از نظر تجاری و انتظامی مورد بررسی قرار می‌گرفت، اما با تلاش جمهوری آذربایجان جهت حل و فصل مناقشه سرزمینی با توسل به زور، معادله تازه‌ای از رابطه نیروها در قراباغ کوهستانی، سیونیک و نخجوان شکل گرفت و وضعی کاملاً امنیتی بر این مرزها حاکم شد. از آنجا که ایران در موضع اعلامی خود خواستار حل مسئله با توجه به حاکمیت ملی یعنی عدم واگذاری صلاحیت سرزمینی به کشور یا قدرتی دیگر است، پیچیدگی موضوع افزایش پیدا کرده است. در حال حاضر پیشنهاد امریکا به طرف‌های درگیر در مسئله، اجاره ۹۹ ساله سرزمین سیونیک در مرز ایران و ارمنستان به یک شرکت امریکایی و گسیل هزار نیروی نظامی این کشور (احتمالاً از شرکت‌های خصوصی) جهت تأمین امنیت آن است. علی‌اف، پاشینیان و ترامپ در ۱۷ مرداد توافق‌نامه‌ای را پاراف کردند که در آن ضمن قبول تمامیت ارضی کشورها، بر لزوم بازگشایی مسیرهای مواصلاتی تأکید شده بود. ماده پنجم این توافقنامه (که نیاز به تصویب در مجلس ارمنستان و تنظیم پیوست‌های تفصیلی دارد) مهم‌ترین بخش آن به شمار می‌رود که در آن به پایبندی طرفین به اعلامیه آلماتی اشاره شده است. براساس اعلامیه آلماتی، جماهیر جداشده از شوروی متعهد شده بودند که به مرزهای اداری شوروی سابق وفادار بمانند.

با اجرایی شدن این طرح، تحولی اساسی در اوضاع و احوال حقوقی مسئله رخ خواهد داد و وضعیت جدیدی از نظر حقوق بین الملل بر مناسبات مرزی ایران حاکم خواهد شد زیرا اعطای کنترل این مرزها به کشوری ثالث با ملاحظات امنیت ملی ایران مغایرت دارد. طبق برخی از موارد منشور ملل متحد و کنوانسیون وین، دولت ایران حق دارد براساس اصولی چون اصل حسن نیت، اصل عدم الزام دولت ثالث، اصل حق اعتراض کشور ثالث،

اصل طرف ضروری، اصل انصاف و مانند آن نسبت به حفظ منافع خود در مذاکرات و اسناد نهایی توافق صلح بین باکو-ایروان نظارت داشته و در تنظیم موادی که ذی نفع است حق اظهار نظر به دست آورد. در حال حاضر ماده پنجم این موافقت‌نامه که در خصوص تعیین حدود مرزی دو کشور است، بیشترین ظرفیت مداخله و نظارت ایران (به عنوان تنها کشوری سومی که با منطقه مورد نظر هم‌مرز است) را دارد.

مقدمه

پس از به قدرت رسیدن ترامپ، نام توماس باراک سفیر آمریکا در ترکیه و فرستاده ویژه در امور سوریه با برخی از مهم‌ترین مسائل ژئوپلیتیکی خاورمیانه گره خورده است. اظهارات او چه در خصوص موضوع جولانی و تروریست‌های تحریرالاشام، چه در خصوص تعیین تکلیف قسد و نیروهای گرد و چه در مورد کریدور زنگزور مورد توجه رسانه‌های منطقه قرار می‌گیرد و از سوی تحلیلگران جدی تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد این حقوقدان لبنانی-آمریکایی به اندازه خود ترامپ در عرصه سیاست قائل به اولویت اظهارات شفاف و رک باشد. با وجود اینکه باراک که از سال ۲۰۱۵ بخشی از کارزار انتخاباتی ترامپ بود در سال ۲۰۲۳ از سوی بایدن به عنوان سفیر در ترکیه انتخاب شد، دوستی شخصی وی با ترامپ و اعتمادی که رئیس‌جمهور آمریکا به وی دارد، موجب می‌شود تا باراک بتواند در ماه‌های اخیر با اعتماد به نفس بیشتری مواضع اعلامی خود را آشکار کند.

نخستین بار تام باراک در اوایل مرداد ۱۴۰۴ از یک طرح ابتکاری در خصوص کریدور فرضی زنگزور (چند روز پس از دیدار رؤسای جمهور ارمنستان و آذربایجان در امارات متحده عربی) رونمایی کرد تا به گفته خود نقشی فعال برای آمریکا در بهبود روابط دو کشور و خروج مسیرهای مواصلاتی از انسداد ایفا کند. باراک در یک نشست خبری در نیویورک و یک روز پس از دیدار رؤسای جمهور آذربایجان و ارمنستان در ابوظبی اعلام کرد که آمریکا آماده است کریدور زنگزور (حدود ۳۲ کیلومتر ارتباط بین سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان و نخجوان از طریق استان سیونیک ارمنستان) را تحت اجاره ۱۰۰ ساله به «یک شرکت خصوصی آمریکایی» واگذار کند. او مدعی شد هدف از این اقدام، فراهم کردن امکان استفاده مشترک برای هر دو طرف و تسریع در مذاکرات صلح است.^۱ باراک تأکید کرد: «آن‌ها ۳۲ کیلومتر مسیر را موضوع اختلاف کرده‌اند، اما این موضوع وقتی به آمریکا می‌رسد، آمریکایی‌ها وارد

1. Hurriyet daily, (2025); US floats 100-year lease on Zangezur corridor to break Armenia-Azerbaijan deadlock, 16 July 2025, <https://www.hurriyetdailynews.com/us-floats-100-year-lease-on-zangezur-corridor-to-break-armenia-azerbaijan-deadlock-211507>

می‌شوند و می‌گویند: ۳۲ کیلومتر به ما بدهید، صد سال اجاره می‌کنیم، تا هر دو طرف از آن استفاده کنند.»^۱ پس از اظهارات باراک، رئیس‌جمهور آمریکا نیز در جلسه با سناتورهای جمهوری خواه در کاخ سفید به این موضوع اشاره و مسئله را تمام شده فرض کرد: «ما در آنجا (در مذاکرات صلح) معجزه کردیم... تقریباً کار انجام شده، اگر نشده همین حالا هم انجام شده.» در ادامه این جلسه، ترامپ افزود که طرحی در حال بررسی است مبنی بر اجاره کریدور ۴۳ کیلومتری واقع در استان سیونیک ارمنستان به یک شرکت تجارت خصوصی آمریکایی برای ۱۰۰ سال، به نحوی که همه طرف‌ها بتوانند از آن بهره‌مند شوند.^۲

در منابع مستقل اروپایی گزارش شده که این شرکت خصوصی ظاهراً همراه با ۱۰۰۰ نیروی نظامی آمریکایی با عنوان «شرکت نظامی خصوصی» برای تأمین امنیت مسیر پیشنهاد شده‌اند که ورود این مقدار نیروی نظامی به منطقه موجب واکنش برخی از محافل چپ جهانی شده است و آن را آغازی برای شروع جنگ‌های خونین با پوشش کریدور اقتصادی تحلیل کرده‌اند.^۳ وبسایت «سوسیالیست‌های جهان» با اشاره به گزارش روزنامه تهران تایمز در هفتم مرداد ۱۴۰۳، به موضع منفی ایران در صحبت‌های علی‌اکبر ولایتی نیز اشاره کرده است.^۴ در همین حین افشای یک نشریه اسپانیایی به نام Periodista Digital با ارجاع به منابع محرمانه در خصوص این کریدور ابعاد دیگری از سناریوهای احتمالی را نمایش داد. گزارش نشریه فوق از ابعاد توافق محرمانه میان طرف‌ها که از آن با عنوان «پل ترامپ» یاد می‌شود حایز برخی از مهمترین ملاحظات استراتژیک است که افشای آن را توجیه می‌کند. در واقع روزنامه اسپانیایی ادعا می‌کند که به یک موافقت‌نامه محرمانه دست یافته که میان ارمنستان، آذربایجان و ایالات متحده به عنوان سندی به نام «پل ترامپ» تصویب شده است:

«این کریدور ۴۲ کیلومتری از منطقه سیونیک (زنگزور) در ارمنستان عبور می‌کند و ارمنستان را به نخجوان آذربایجان متصل می‌کند. مطابق این سند، ارمنستان حفظ حاکمیت رسمی بر منطقه را ادامه خواهد داد، اما مدیریت عملیاتی کریدور برای مدت ۱۰۰ سال به یک شرکت خصوصی آمریکایی واگذار می‌شود. این کریدور حمل‌ونقل توسط

1. APA (2025); **Ambassador: US offers to oversee Zangezur corridor for 100 years**, 14 July 2025, <https://en.apa.az/foreign-policy/ambassador-us-offered-to-take-control-of-zangezur-corridor-for-100-years-472861>.

2. Bardouka, Yousef (2025); **Trump says US 'worked magic' in Armenia-Azerbaijan peace talks, as debate over corridor continues**, OC Media, 21 July 2025, <https://oc-media.org/trump-says-us-worked-magic-in-armenia-azerbaijan-peace-talks-as-debate-over-corridor-continues>.

3. Ozan Kutlucan, Ulaş Ateşçi (2025); **The US's Turkey-backed "economic corridor" plan in the Caucasus targets Russia and Iran**, Word Socialist Website, 29 July 2025, <https://www.wsws.org/en/articles/2025/07/29/grlu-j29.html>.

4. Hojat Ansari, Mona (2025); **Zangezur: The corridor that could break the Caucasus**, Tehran Times, 28 July 2025, <https://www.tehrantimes.com/news/516188/Zangezur-The-corridor-that-could-break-the-Caucasus>.

یک شرکت خصوصی آمریکایی دارای مجوز برای این منظور اداره می‌شود. سهم درآمد این شرکت آمریکایی در توافق نامه، حدود ۴۰ درصد اعلام شده، در حالی که ارمنستان تنها ۳۰ درصد از سود را دریافت خواهد کرد. همچنین در این گزارش اشاره شده است که حدود هزار نیروی نظامی خصوصی آمریکایی برای تأمین امنیت کریدور مستقر خواهند شد. این نیرو وظیفه تأمین امنیت در داخل کریدور را برعهده خواهد داشت و حق استفاده از زور برای حفظ تمامیت آن را دارد. گزارش تأکید می‌کند که این نیروها سربازان رسمی ارتش آمریکا نیستند، بلکه پرسنل یک شرکت نظامی خصوصی هستند»^۱.

اگرچه ارمنستان به صورت اعلامی، محتوای این گزارش را رد کرد^۲ اما هنوز تردیدهای جدی در خصوص نیت پاشینیان برای نزدیکی به آمریکا و جایگزینی نفوذ آن با فرانسه در این کشور کوچک وجود دارد. این ادعاها با توجه به روابط خوب اردوغان و علی‌اف با ترامپ و حتی احتمال پیوستن جمهوری آذربایجان به پیمان ابراهیم ممکن است منطقی‌تر از تکذیبیه حکومت پاشینیان به نظر برسد. پس از آنکه ترامپ فیلمی از سخنرانی‌اش را در Truth Social به اشتراک گذاشت، الهام علی‌اف در توییتر با بازنشر آن «چشم‌انداز و تلاش‌های ترامپ برای ترویج صلح» را ستود که به نظر تلاشی برای چاپلوسی برای رئیس‌جمهور آمریکا بود، کاری که معمولاً خوشایند رئیس‌جمهور فعلی آمریکا است و او نیز فوراً به بازنشر چاپلوسی علی‌اف در شبکه‌های اجتماعی پرداخت. تعاملات و روابط فردی ترامپ در سیاست خارجی آمریکا به دلایل خصایل اخلاقی رئیس‌جمهور آمریکا، تا اندازه‌ای تأثیرگذار است و برخی از رهبران منطقه‌ای سعی دارند از این ویژگی او استفاده کنند.

تفاوت «راه ترامپ» با کریدور فرضی زنگزور

در فاصله بین سال‌های ۲۰۲۰ تا آگوست ۲۰۲۵ الهام علی‌اف دو مفهوم تجاوزکارانه را در ارتباط با قلمرو رسمی ارمنستان مطرح کرد. نخست «مفهوم آذربایجان غربی» برای اشاره به استان سیونیک ارمنستان و دومی موضوع بازگشت ۵۰۰ هزار نفر از ساکنان آذربایجانی جمهوری ارمنستان که علی‌اف ادعا می‌کند پیش از فروپاشی شوروی در این جمهوری زندگی می‌کردند. به طور کلی آنکارا و باکو برای مدتی استراتژی ادغام منطقه سیونیک در خاک جمهوری آذربایجان را دنبال کردند اما به دلیل مخالفت ایران و همراهی نکردن سایر قدرت‌ها از آن

1. Calibr (2025); Periodista Digital: Pashinyan hands over Zangezur Corridor to Azerbaijan and US, 23 July, <https://calibr.az/en/post/334739>.

2. Mamedov, Eldar (2025); Is Trump's Armenia-Azeri peace plan yet another road to nowhere? Responsible Statecraft, 23 July 2025; <https://responsiblestatecraft.org/trump-azerbaijan-armenia/>.

فعلاً آن را مسکوت گذاشته‌اند. در حال حاضر موافقت‌نامه کاخ سفید از اصطلاح کریدور که بار حقوقی معینی دارد استفاده نکرده و به جای آن واژه راه را به کار برده است. همچنین ماده پنج موافقت‌نامه اخیر با اشاره به اعلامیه آلمانی-۱۹۹۱، و نیز احترام به تمامیت ارضی کشورها و مرزهای بین‌المللی از این رویکرد فاصله زیادی گرفته است.^۱ این اعلامیه مبنای به رسمیت شناختن مرزهای بین‌المللی کشورهای پسا شوروی بر اساس مرزهای اداری شوروی سابق بود. از دید حقوق بین‌الملل این ارجاع یعنی آذربایجان و ارمنستان وضع فعلی مرزهای یکدیگر را قبول کرده‌اند و در نتیجه ادعاهای سرزمینی کنار گذاشته می‌شود. اصولاً این اشارات به تمامیت ارضی کشورها و حفظ وضع موجود که با سیاست ایران نیز همخوانی دارد، در مرحله تعیین دقیق نقاط مرزی ممکن است چالش‌های جدی داشته باشد زیرا ممکن است در مقام تفسیر به بی‌ثباتی یا قطع دسترسی‌های ترانزیتی و جاده‌ای ایران منجر شود. از این رو بخش‌هایی از این ماده به تجزیه و تحلیل بیشتری نیاز دارد:

دو کشور توافق می‌کنند که آینده روابط خود را بر اساس احترام کامل به حاکمیت، تمامیت ارضی و مرزهای بین‌المللی یکدیگر، مطابق با اصول منشور ملل متحد و اعلامیه آلمانی ۱۹۹۱ بنا کنند. طرفین متعهد می‌شوند که:

الف) از هرگونه ادعای ارضی علیه یکدیگر خودداری نمایند.

ب) به شناسایی رسمی مرزهای بین‌المللی اقدام کنند و هرگونه اختلاف مرزی را تنها از طریق مذاکرات مسالمت‌آمیز و بر اساس معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی حل کنند.

ج) تمام نیروهای مسلح خود را از قلمرو تحت حاکمیت کشور مقابل خارج کنند.

د) در یک چارچوب زمانی مشخص، نسبت به تعیین خط مرزی روی نقشه^۲ و نشانه‌گذاری فیزیکی روی زمین^۳ با همکاری طرف‌های ثالث اقدام کنند.

در اینجا، اصطلاح «مرزهای بین‌المللی» صرفاً به مرزهای موجود اشاره دارد، بدون آنکه فرآیند رسمی تعیین یا نشانه‌گذاری آن‌ها ذکر شود. در مرحله بعدی مذاکرات، برای اجرای این اصل، طرفین ناچار می‌شوند ابتدا طرح مرزها را بر اساس نقشه‌های دقیق مرزی بر اساس مختصات جغرافیایی و اسناد شوروی (براساس بیانیه آلمانی) تهیه کنند. سپس نوبت علامت‌گذاری فیزیکی مرزها روی زمین (با نصب ستون‌های مرزی، تابلوها،

۱. قاعده *uti possidetis juris* (به لاتین یعنی: همانطور که مالک هستید مالک می‌مانید) یک قاعده برگرفته شده از حقوق رومی است که می‌گوید: مرز واحدهای سیاسی در لحظه استقلال همان مرزهای اداری و سیاسی دوران قبل از استقلال باقی می‌ماند. این قاعده پیش از اعلامیه آلمانی در استقلال کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین کاربرد داشت.

2. delimitation

3. demarcation

علائم GPS و غیره) است. این دو مرحله معمولاً در «ضمانت فنی» توافق اصلی می‌آیند و ممکن است یک کمیسیون مشترک با حضور ناظران بین‌المللی (مثلاً آمریکا یا اتحادیه اروپا) تشکیل شود. پیامدهای ورود این اصطلاحات در نسخه بعدی توافق برای آذربایجان و ارمنستان آن است که اختلاف‌های باقیمانده بر سر مسیرهای مرزی (به‌ویژه در استان سیونیک و اطراف قراباغ) به شکل رسمی و الزام‌آور تعیین می‌شود و هر تغییری بعد از امضا، مشروعیت بین‌المللی پیدا می‌کند. اما پیامد این تغییرات برای «ایران» آن است که اگر در فرآیند نقشه‌کشی، بخشی از مسیرهای جاده‌ای یا راه‌آه‌نی که اکنون از آن‌ها برای ارتباط با ارمنستان یا نخجوان استفاده می‌کند، به عنوان «منطقه ویژه» یا «حوزه نظارت مشترک» تعریف شود، ایران ممکن است با محدودیت تردد، کنترل گمرکی جدید یا حضور طرف ثالث (در اینجا جمهوری آذربایجان) مواجه شود. از سوی دیگر حضور ناظران یا نیروهای فنی خارجی در علامت‌گذاری مرزی می‌تواند بهانه‌ای برای استقرار طولانی‌مدت کارشناسان امنیتی غربی در نزدیکی مرز ایران شود. اگر متن فعلی ماده را بررسی کنیم، دو بخش کلیدی آن ظرفیت الحاق مفاهیم «تعیین خط مرزی» و «نشانه‌گذاری مرز» را در آینده دارند.

ابزارهای حقوقی حق مداخله ایران در مسئله زنگرور

یکی از پیچیدگی‌های مسئله زنگرور، موضوع مشروعیت و حقانیت مداخله و اعتراض دولت ایران به عنوان کشور ثالث در مذاکرات دو طرف دیگر است. بنابراین پرسش آن است که اگر دو کشور درگیر مناقشه در خصوص «مسائل حیاتی» مرتبط با ایران گفتگو و در نهایت توافق کنند آیا تهران به عنوان کشور ثالث حق اعتراض، مداخله یا اظهار نظر دارد؟ آیا اگر رهبری امروز ارمنستان (حکومت پاشینیان) حاضر به پذیرش واگذاری بخشی از حاکمیت سرزمینی به کشور یا کشورهای دیگر شود یا به نحوی ناچار از امضای معاهده‌ای شود، آیا تهران ابزار حقوقی برای مداخله در این روند را دارد و این ابزارها چگونه با وضعیت دگرگون‌شونده منطقه قابل توضیح است؟

در حقوق بین‌الملل، اگر منافع حیاتی^۱ یا حقوق مسلم^۲ یک کشور ثالث در یک مذاکره یا توافق دوجانبه در معرض تأثیر قرار گیرد، آن کشور ثالث حق اظهار نظر، اعتراض، یا مداخله محدود دارد. این حق معمولاً تحت عنوان‌های حقوقی شناخته می‌شود که بسته به اوضاع و احوال مسئله می‌تواند متفاوت باشد:

1. Vital Interests
2. legitimate Rights

۱- اصل عدم الزام کشور ثالث^۱

بر اساس این اصل هیچ توافق بین المللی نمی تواند حقوق و تعهداتی برای یک دولت ثالث ایجاد کند، مگر آن که آن کشور به طور صریح با آن موافقت کرده باشد. این اصل در ماده ۳۴ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ درباره حقوق معاهدات به رسمیت شناخته شده است. قاعده فوق در حقوق رومی، برای جلوگیری از تحمیل تعهدات یا منافع یک قرارداد به اشخاص غایب طراحی شده بود و عنوان آن در گذشته چنین بود: آنچه میان دیگران توافق شده، به زیان یا سود شخص ثالث تمام نمی شود. در صورت توافق احتمالی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای واگذاری مسیر یا قلمرویی از خاک ارمنستان جهت ایجاد کریدور تحت کنترل کشوری به جز ارمنستان، بدون اینکه ایران در این فرایند مشارکت یا رضایت داشته باشد، اصل فوق به ایران امکان می دهد مشروعیت حقوقی چنین توافقی را به چالش بکشد و یا به دلیل غیرقابل جبران بودن نتایج توافق، نسبت به فرایندهای دیپلماتیک یا اجرایی آن اعتراض یا هر اقدام لازم دیگر را صورت دهد.

۲- قاعده حق اعتراض کشور ثالث^۲

این قاعده از اصل «عدم الزام کشور ثالث» مشتق شده است و معمولاً به حق آن دولت برای جلوگیری از تحمیل یک معاهده، یا جلوگیری از الزام آور بودن «بند خاصی» در یک معاهده برای خود اشاره می کند. زمانی که دو کشور در حال مذاکره بر سر مسائلی هستند، ممکن است به طور مستقیم بر منافع سرزمینی، امنیتی، یا منافع کشور ثالث تأثیر بگذارد. در این صورت کشور ثالث حق دارد رسماً مخالفت خود را ابراز کند و خواستار لحاظ شدن منافعش در توافقات دوجانبه شود. این قاعده عمدتاً از رویه های دیپلماتیک، حقوق عرفی و دکترین حقوق بین الملل استخراج شده و به طور مستقیم در متون معاهداتی نیامده، اما توسط دادگاه ها و نهادهای داوری بین المللی رعایت شده است. سابقه آن به دوران باستان باز می گردد به طوری که اگر حقی یا منفعتی مشروع (حق ارتفاق، مالکیت، یا مصالح عمومی) در معرض تهدید از سوی عمل دیگری بود، حقوق رومی اجازه می داد فرد یا مقام ذی نفع شکایت ویژه ای طرح کند یا در قضیه مداخله کند.

قاعده حق اعتراض دولت ثالث به ایران اجازه می دهد تا از طرق دیپلماتیک، مکاتبات رسمی، طرح موضوع در سازمان های بین المللی یا حتی اقدامات حقوقی، مخالفت خود را

1. Res inter alios acta/ Principle of Non-Binding Effect on Third States

2. Rule on the Right of Objection by a Third State

ابراز کند. در صورتی که اجرای پروژه کریدور فرضی زنگزور منجر به تهدید امنیت مرزهای شمالی ایران، انسداد مسیر ترانزیتی ایران-ارمنستان-گرجستان یا تغییر موازنه ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز جنوبی شود، دولت ایران می‌تواند از این حق بهره‌برداری کامل کند.

۳- اصل طرف ضروری^۱

اگر لازمه حل و فصل اختلاف میان دو دولت، تصمیم‌گیری در مورد حقوق و منافع یک دولت ثالث باشد، آن دولت ثالث باید طرف مذاکره قرار گیرد؛ در غیر این صورت، رسیدگی ممکن نیست. یکی از روندهای اخیر در حل و فصل منازعات بدون شک افزایش تعداد منازعات چندجانبه بین‌المللی است. گسترش دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی و توسعه قوانین برای حمایت از منافع جمعی نیز قطعاً در تثبیت این اصل نقش داشتند. مطابق این قاعده، در هر اختلاف بین‌المللی که منافع حقوقی دولت ثالثی به‌طور جدی در معرض تأثیر قرار گیرد، آن کشور باید در «فرایند حل و فصل» مشارکت داده شود و بدون حضور آن، رسیدگی یا صدور رأی معتبر نیست. اگر فرض شود که اجرای توافقی در موضوع زنگزور بدون حضور ایران، باعث پیامدهای مستقیم امنیتی، اقتصادی یا حقوقی علیه منافع ملی ایران خواهد شد، دولت ایران می‌تواند با استناد به این اصل، عدم مشروعیت توافق و ضرورت مشارکت خود در فرایندهای مربوطه را مطالبه کند.^۲

۴- دکرترین حق مداخله مشروط^۳

گرچه مداخله در امور داخلی دولت‌ها ممنوع است اما در مواردی که امنیت مرزها، تمامیت ارضی، یا منافع حیاتی سیاسی-اقتصادی کشور ثالث تهدید شود، مداخله دیپلماتیک یا ابراز نگرانی رسمی (حتی در قالب مذاکره یا فشار سیاسی) ممکن است تحت عنوان مشروعیت بین‌المللی دفاع از منافع حیاتی توجیه‌پذیر باشد. این حق که به مداخله برای دفاع از منافع حیاتی نیز معروف است، به دولت غیرطرف اجازه می‌دهد تحت شرایط خاص و معمولاً زمانی که نتیجه پرونده می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر منافع یک ملت تأثیر بگذارد، در پرونده مداخله کند. این حق غالباً در شرایطی مطرح می‌شود که دولت مدعی است توافق یا اقدام دو کشور دیگر، به‌طور مستقیم و جدی به منافع حیاتی و مشروع کشور ثالث لطمه می‌زند. این

1. Principle of the Indispensable Party

۲. در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، به‌ویژه در رأی معروف قضیه تیمور شرقی ۱۹۹۵، قاعده‌ای به نام حضور طرف ضروری تثبیت شده است.

3. Doctrine of the Conditional Right of Intervention

اصل، اگرچه به طور مستقیم در اسناد الزام آور نیامده، اما در دکترین حقوقی و رویه دولت‌ها جایگاه دارد و تحت شرایط خاص، کشورها را مجاز می‌داند در صورت تهدید واقعی به منافع حیاتی خود در مناطق همجوار، اقدامات بازدارنده، دیپلماتیک یا حتی میدانی غیرنظامی انجام دهند. بنابراین در صورتی که اجرای کریدور زنگزور ماهیت نظامی، شبه استعماری یا تغییرات مرزی به نفع طرف ثالث پیدا کند، ایران می‌تواند با اتکا به این دکترین در قالب مانورهای نظامی در مرز، ارسال پیام‌های هشدارآمیز یا فعال سازی مکانیسم‌های چند جانبه منطقه‌ای (مانند اجلاس سه جانبه با روسیه و ارمنستان) اقدام کند.

۵- اصل انصاف^۱

در حقوق بین الملل، انصاف یک اصل مکمل و تفسیری است که معمولاً برای رسیدن به عدالت واقعی در مواردی به کار می‌رود. این اصل در رویه دیوان بین المللی دادگستری به ویژه در دعاوی مرزبندی دریایی، سهم خواهی در منابع مشترک و منازعات سه جانبه به کار رفته و در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان نیز به آن اشاره شده است. با توجه به وضعیت ایران، استناد به اصل انصاف به عنوان مطالبه مشروع برای مشارکت در مذاکرات، حق اعتراض حقوقی و دیپلماتیک، یا حتی طرح شکایت به مجامع بین المللی قابل دفاع است. این استناد بر پایه چند محور استوار است:

الف) مرزهای طولانی و هم جوارى مؤثر

ایران بیش از ۴۰۰ کیلومتر مرز با منطقه زنگزور (جنوب ارمنستان و نخجوان) دارد؛ هرگونه تغییر ژئوپلیتیکی در این منطقه، مستقیماً امنیت ملی، تجارت، ترانزیت و روابط قومی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ب) اصل تأثیر مستقیم^۲

اصل بنیادینی که تعیین می‌کند چه کسی حق دخالت در امور مؤثر بر سرنوشت خود را دارد. بر پایه اصول انصاف و رویه دیوان، کشوری که از نتیجه مذاکرات میان دو کشور ثالث به شکل ملموس و مستقیم متضرر می‌شود، باید حق اظهار نظر و مشارکت در تعیین سرنوشت آن معاهده یا توافق را داشته باشد. به ویژه اگر توافق باعث ایجاد وضعیت جدید حقوقی نسبت به آن کشور شود. این اصل مبنای قواعد مشخص تری مثل حق مداخله است.

1. Principle of Equity

2. Principle of Direct Effect

پ) منع طرد غیرمنصفانه^۱

اگر ایران به رغم دارا بودن منافع حیاتی در کریدور فرضی، از تمامی مذاکرات کنار گذاشته شود، این امر می تواند نقض انصاف بین المللی تلقی گردد. حذف بازیگری با بیشترین پیامد ژئوپلیتیکی از روند تصمیم سازی، خلاف روح عدالت بین المللی است. ایران می تواند با استناد به اصل انصاف از حقوق بین الملل عمومی مطالبه مشروع برای مشارکت در مذاکرات مربوط به زنگرور یا اعتراض به توافقات دو یا چندجانبه ای را مطرح کند که منافع حیاتی اش را تحت الشعاع قرار می دهد. هرچند این اصل به تنهایی مجوز مداخله نیست، اما به عنوان ابزار حقوقی مکمل برای اعمال فشار دیپلماتیک، سیاسی، و حقوقی قابل استناد است، به ویژه اگر توافقات احتمالی ارمنستان و آذربایجان با کشورهای ثالث موجب ایجاد وضع حقوقی جدید برای ایران یا تحمیل تبعات امنیتی غیرقابل اجتناب شود.

۶- اصل حسن نیت^۲

ماده دوم منشور ملل متحد و ماده ۲۶ کنوانسیون وین به اصل حسن نیت اشاره دارند. در تفسیر معاهدات، انجام مذاکرات، اعمال حقوق مشروع و حتی استفاده از حق دفاع مشروع، حسن نیت یک شرط کلیدی تلقی می شود. در مقابل، هرگونه اقدام متظاهرانه و فریب کارانه، در تضاد با هدف واقعی مقررات حقوقی، می تواند به عنوان سوءنیت شناخته شود. در رویه دیوان بین المللی دادگستری و دکتترین حقوقی، سوءنیت معمولاً در قالب مذاکرات صوری و فاقد اراده واقعی، اقدامات خصمانه پنهان شده در پوشش قانونی، یا طرح هایی با اهداف ژئوپلیتیکی مضر برای کشور ثالث، به عنوان نقض اصل حسن نیت تلقی می شود. در مورد «طرح کریدور فرضی زنگرور»، چنانچه برخی بازیگران (مثلاً جمهوری آذربایجان یا حامیان خارجی آن نظیر ترکیه یا اسرائیل) اهداف ژئوپلیتیکی را دنبال کنند که مستقیماً منافع حیاتی ایران را تهدید کند و در عین حال این اقدامات را در قالب توافقات دو یا چندجانبه با ارمنستان ارائه دهند، می توان از منظر حقوقی آن را نشانه ای از فقدان حسن نیت تفسیر کرد. از مصادیق قابل استناد به سوءنیت می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کنار گذاشتن تنها کشور هم مرز با سیونیک از فرآیند مذاکراتی که نتیجه اش تغییرات استراتژیک در مرزهای شمالی اش باشد و به شکلی طراحی شود که ایران نتواند بر روند آن نظارت کند، ناقض اصل «مذاکره با حسن نیت» است، به ویژه اگر این عمل با استفاده ابزاری از معاهده یا توافق برای مهار ژئوپلیتیکی باشد.

1. Prohibition of Unjust Exclusion

2. Principle of Good Faith

- اگر هدف از توافق کریدور، صرفاً اتصال آذربایجان به نخجوان بود، ممکن بود آن را یک طرح اقتصادی دانست. اما اگر همان طور که برخی استراتژیست‌ها و رسانه‌های طرفدار طرح زنگزور گفته‌اند، این طرح با هدف ایجاد کریدوری با حضور نظامی کشورهای ثالث (مثلاً ناتو یا ترکیه)، انزوای ایران از مسیرهای ترانزیتی شرق به غرب، تهدید ضمنی به محاصره زمینی ایران از شمال، یا تأثیرگذاری منفی بر حوزه قومی داخل ایران طراحی شده باشد، این اقدامات مصداق بارز سوءنیت است، ولو ظاهر توافقی حقوقی داشته باشند.

جمع‌بندی و پیشنهادها

ارمنستان پس از شکست سال ۲۰۲۰ تحت فشار عظیمی برای واگذاری بخشی از سرزمین خود جهت اتصال نخجوان به سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان بود. در حقیقت نقشه اشغال سیونیک یکی از اهداف ثانویه اما مهم ائتلاف باکو- آنکارا- تل‌آویو بود که به دلیل ورود روسیه و هشدار ایران محقق نشد. از آن تاریخ تا کنون باکو به دنبال راهی جهت بازکردن این مسیر و ایجاد نوعی حاکمیت دفاکتو بر سیونیک بود. جنگ اوکراین و پشت‌کردن روسیه به ایفای تعهدات امنیتی‌اش به ارمنستان از یک سو و شخصیت متزلزل پاشینیان در کنار شیفتگی به غرب، ارمنستان را در یک تله ژئوپلیتیکی قرار داد؛ به طوری که او بیش از پیش به آنکارا و باکو نزدیک و در نهایت به عنوان رهبری که امیال و اهداف کشورهای متخاصم را نمایندگی می‌کرد ظاهر شد. در این میان آنچه بقای ارمنستان را تا حدی حفظ می‌کرد حمایت‌های ایران بود اما آنچه که از سوی ارمنستان در کاخ سفید پاراف شده است (که نیازمند تصویب مجلس این کشور است) اگرچه زنگزور را به حاکمیت آذربایجان منتقل نمی‌کند اما صرفاً یک توافق ترانزیتی هم نیست بلکه به موجب این موافقت‌نامه، کنترل مرز جنوبی را که همانا مهم‌ترین مرز تجاری و تنها راه مطمئن و مستقیم به ایران است به طرف ثالث واگذار کرده که می‌توان آن را محاصره شدن در دل یک محاصره استراتژیکی دانست. همین وضعیت به گونه‌ای دیگر در خصوص انزوای ایران نیز موضوعیت دارد.

اکنون پرسش مهم برای ارمنستان این است که چه کسی تجارت و ترانزیت با ایران را کنترل خواهد کرد؟ اگر همه رفت و آمدها میان ایران و ارمنستان باید از یک مسیر تحت کنترل آمریکا عبور کند آیا به آن معنا خواهد بود که آمریکا می‌تواند هر محموله‌ای را که به/ از ایران می‌رود مسدود یا بازرسی کند یا با تأخیر روبرو سازد؟

در مسئله زنگزور، با توجه به طولانی شدن مذاکرات صلح بین دو طرف اصلی مناقشه و ورود قدرت‌های دیگر به پرونده در قالب میانجی یا صاحب منفعت و مطرح شدن شروط

یا پیشنهادهایی که به طور اساسی امنیت مرزها، تمامیت ارضی و منافع حیاتی سیاسی - اقتصادی ایران را به مخاطره می‌اندازد، دولت ایران حق مداخله دارد. با توجه به مرزهای طولانی در مناطقی مانند نخجوان، قراباغ و سیونیک، هر نوع تعهد طرفین به یکدیگر و یا دولت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، ایران حق دارد در صورت تغییر بنیادین در اوضاع و احوال و تحمیل پاره‌ای از تعهدات مانند نقاط کنترل مرزی، نقاط گمرکی یا صلاحیت قضایی (برای مثال حوادث جاده‌ای یا مسائل کنسولی) از سوی دولتی غیر از ارمنستان، نگران منافع خود باشد. زیرا ایران در اصل، حاکمیت ارمنستان را بر این مناطق در هنگام شناسایی این کشور پس از فروپاشی شوروی مفروض خود قرار داده بود. از سوی دیگر منافع سیاسی - اقتصادی ایران نیز به عنوان همسایه بلافصل مناطق مورد مذاکره تحت تأثیر این پرونده قرار دارد که با تغییر ترکیب ژئوپلیتیکی منطقه عینیت جبران‌ناپذیری پیدا خواهد کرد. از این رو دولت ایران با استفاده از ابزارهای حقوقی که در اختیار دارد، چه به عنوان کشور ثالث و چه به عنوان طرف ضروری، مشروعیت حقوقی برای مداخله در این زمینه را دارد.

در مقام توصیه به نظر می‌رسد ایران باید به این نکات در سیاست خارجی خود توجه کند:

- مذاکرات معروف به صلح بین دو کشور (اعم از اینکه با میانجی‌گری امریکا باشد یا روسیه یا اتحادیه اروپا) باید در چارچوب اصول بنیادین منشور ملل متحد به ویژه خودداری از تهدید به زور یا کاربرد آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دنبال شود. بنابراین تهدید ارمنستان به پذیرش کریدور با شرایطی که استقلال یا تمامیت ارضی آن را مخدوش می‌کند طبق مواضع پیشین وزارت خارجه ایران قابل قبول نیست و ایران باید صراحتاً از تحت فشار قرار گرفتن ارمنستان انتقاد کند.
- ایران به عنوان کشوری که با تمام مناطق استراتژیک درگیر در مناقشه اعم از سرزمین اصلی آذربایجان و ارمنستان و برونگان آنها (نخجوان و قراباغ) مرز زمینی دارد و نقطه اتصال همه این مناطق است، نمی‌تواند از مذاکرات و معادلات حذف شود. بنابراین، دستگاه‌های تصمیم‌گیر در سیاست خارجی باید اعلام کنند که مواد مرزی معاهداتی که ایران در آن حضور ندارد، طبق حقوق بین‌الملل مورد پذیرش نخواهد بود مگر اینکه ایران به عنوان کشور ثالث و یا طرف ضروری طبق حقوق بین‌الملل به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تمام یا بخشی از مذاکرات حضور داشته باشد.
- ایران می‌تواند با استناد به اصل حسن نیت در مذاکرات بین‌المللی و تفسیر سوءنیت در اهداف ژئوپلیتیکی طرح زنگزور، از ابزارهای خود برای مطالبه حق مشارکت در روند تصمیم‌سازی و مذاکرات استفاده کند.

- در فرضی که توافقنامه کاخ سفید مبنای عمل و توافق آینده دو طرف قرار گیرد باید در نظر داشت که عبارت کلیدی ماده پنج آن یعنی «بر اساس احترام متقابل به تمامیت ارضی و مرزهای بین المللی یکدیگر» ممکن است پیامدهای مهم در زمینه تحدید خطوط مرزی و نشانه گذاری مرزی داشته باشد. در این صورت ایران باید به عنوان طرف ثالث در این زمینه نیز فعال باشد و ناظران خود را برای جلوگیری از تعدی و تجاوز به نقاط استراتژیک حائز اهمیت وارد فرایند نهایی مرزبندی کند.